

عنوان مقاله:

نظریه ادبی عرفانی: گرانگه اندیشه ها و ایده های ادبی عرفا

محل انتشار:

دوفصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره 15، شماره 29 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

نویسنده:

مجاهد غلامی - استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

خلاصه مقاله:

با به وجود آمدن تلقی علمی و نوینی از نقد ادبی که با نظریه پیوند تنگاتنگی دارد، واکاوی سنت ادبی و ایده ها و آرای گذشتگان مان دربار ادبیات و شعر با هدف تالیف الگوهای بومی نقد و نظریه ادبی، امری ضروری می نماید. در جستار پیش رو که به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر بنیاد منابع کتابخانه ای فراهم آمده است، نخست دلایلی در اثبات فرضیه وجود نقد و نظریه ادبی در گذشته ادبی ایران ارایه شده است. سپس با توجه به مختصات نقد نظریه مدار به مثابه دستاوردی مدرن، با شاخص قرار گرفته شدن الگوی ارتباط زبانی یا کوپسن گونه های نظریه ادبی از یکدیگر بازشناسانده شده و درباره گونه «نظریه ادبی موضوع مدار» بحث شده است. این مطالب که مبانی نظری جستار پیش رو را تشکیل داده است، از جمله به این نتایج انجامیده که می توان در کنار نظریه های موضوع مدار وارداتی ای از قبیل، ماتریالیسم فرهنگی، تاریخ گرایی نوین، نظریه و نقد مارکسیستی، نقد فمینیستی، نقد پسااستعماری، بوم-نقد و...، از متن گفتمان تصوف نظریه موضوع مدار بومی ای را با نام «نظریه ادبی عرفانی» تالیف کرد. در نظریه ادبی عرفانی بنا بر جهان نگری ای معنوی، آنچه اصالت دارد محتوا است و نه صورت و این اندیشه بنیادی با نمودهای گوناگونی در آثار متصوفه (در آرای انسان شناسی، سیاسی، ادبی و ... آن ها) بازتاب یافته. نیز شاعران، نه بر مبنای «چگونه گفتن»، بلکه بر مبنای «چه گفتن» رتبه بندی می گردند و بر همین نهج «شعر حکمت» بر «شعر هزل» برتری داده می شود. این قبیل نظرات در کاربست عملی شان برای نقد آثار ادبی و اشعار، بدنه «نقد ادبی عرفانی» را می سازند.

کلمات کلیدی:

عرفان و تصوف، نقد ادبی، نظریه ادبی، نقد و نظریه ادبی موضوع مدار، نظریه ادبی عرفانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1941599>

